



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

بررسی تطبیقی مفهوم و کارکرد پوشش سر در ادیان و فرهنگ های شرقی

زهره السادات طبائی بفرئی* - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیامنور اردکان

(mah.darvishnezhad.eng@iauctb.ac.ir)

چکیده

پوشش سر در تمدن های شرقی، پدیده ای چندوجهی با کارکردهای متقاطع طبقاتی، آیینی، حفاظتی و جنسیتی است که تاریخی بسیار کهن تر از ظهور شریعت های ابراهیمی متأخر دارد. خوانش های معاصر غالباً با فروکاستن این سنت به «تکلیف فقهی یکسان»، تحولات تاریخی و کارکردهای اجتماعی آن را نادیده می گیرند (زروندی، ۱۳۸۶؛ فالس، ۲۰۲۱). این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، به بررسی خاستگاه ها، معانی نمادین و ساختار پوشش سر در آیین های هندوئیسم، سیک، بودا، زرتشتی و تمدن های باستانی خاور نزدیک و شبه قاره هند می پردازد. یافته های پژوهش نشان می دهد که بر خلاف تصور تک بعدی، پوشش در شرق باستان در وهله نخست ابزاری برای تثبیت تمایز طبقاتی و حاکمیت بر حرمت زنان اشرافی بوده (فالس، ۲۰۲۱) و متعاقباً در فرآیند عرفی سازی و نهادینگی مذهبی، به نماد زهد، تسلیم آیینی و هویت دینی تغییر کارکرد داده است. تفاوت بنیادین حجاب اسلامی با سنن بومی شرق نیز در نظام مند شدن آن به صورت تکلیفی شرعی با حدود مشخص و در بسیاری سنت های دیگر، به صورت عرفی، اجتماعی یا نمادین باقی ماندن آن است.

واژگان کلیدی: حجاب، پوشش سر، آواگونتھانا، گوگهات، ادیان شرقی، هندوئیسم، آیین سیک، آیین بودا، زرتشتی گری، جامعه شناسی دین.



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

مقدمه و چارچوب مفهومی

پوشش سر در گستره جغرافیایی مشرق زمین — از فلات ایران و بین‌النهرین تا شبه‌قاره هند و آسیای شرقی — پیشینه‌ای چند هزار ساله دارد. پژوهش‌های تاریخی و باستان‌شناختی نشان می‌دهند که حجاب پیش از آنکه ماهیتی صرفاً فقهی-الهیاتی بیابد، پدیده‌ای برآمده از ساختارهای قدرت، طبقات اجتماعی و مقتضیات اقلیمی بوده است (زروندی، ۱۳۸۶؛ فالس، ۲۰۲۱). بررسی تاریخچه حجاب نشان می‌دهد که این مسئله ویژه جامعه اسلامی نبوده، بلکه در جوامع پیشین نیز جدی بوده و ادیان و جوامع مختلف بر نیز جدی بوده و ادیان و جوامع مختلف بر آن تأکیدت‌ها، علی‌رغم دیدگاه‌های سیاسی و فرهنگی متفاوت، جزو فرهنگ و رسومات آن جامعه قرار داشته است (زروندی، ۱۳۸۶).

پیروان ادیان گوناگون در سرزمین‌هایی از شبه‌قاره هند و فلات ایران تا بین‌النهرین، هنگام نیایش یا حضور در مکان‌های مقدس از انواع پوشش سر استفاده می‌کرده‌اند. در همین راستا، بوداییان و هندوها حجاب را به معنای «پنهان کردن واقعیت» نیز تفسیر کرده‌اند؛ معنایی که نشان می‌دهد حجاب در فرهنگ‌های شرقی، کارکردی صرفاً فیزیکی ندارد، بلکه با مفاهیم عمیق‌تری چون عفت، فروتنی آیینی و سیر و سلوک روحانی گره خورده است (زروندی، ۱۳۸۶).

با این حال، باید از دو خطای رایج در ادبیات موجود پرهیز کرد. نخست، خلط میان آموزه‌های فلسفی انتزاعی (نظیر «مایا» در ودانتا) با پوشش فیزیکی زنان؛ هرچند از منظر نشانه‌شناسی تطبیقی هر دو به ایده «پوشیدگی حقیقت» اشاره دارند، تسری یک مفهوم هستی‌شناختی به تکالیف البسه اجتماعی نیازمند مرزبندی دقیق است. دوم، تلقی حجاب به مثابه پدیده‌ای ثابت و یکنواخت؛ در حالی که همان‌گونه که در ادامه نشان داده می‌شود، پوشش سر در ادوار مختلف از کارکرد طبقاتی به کارکرد آیینی و سپس کارکرد هویتی تغییر ماهیت داده است (فالس، ۲۰۲۱).

پرسش‌های اصلی این مقاله عبارت‌اند از: (۱) خاستگاه تاریخی پوشش سر در تمدن‌های شرقی چه بوده و چه کارکردی داشته است؟ (۲) ادیان شرقی چگونه به مسئله پوشش سر پرداخته‌اند و چه تفاوت‌ها و اشتراکاتی میان آن‌ها وجود دارد؟ (۳) مرز میان حجاب به مثابه تکلیف شرعی و پوشش به مثابه سنت اجتماعی-آیینی کجاست؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا شواهد خاور نزدیک باستان، سپس چهار سنت آیینی هندو، سیک، بودا و زرتشتی و در پایان، جمع‌بندی تطبیقی ارائه می‌شود.

روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی انجام شده و داده‌های مقاله از دو دسته منبع گردآوری شده است: نخست، منابع متنی و تاریخی شامل متون کلاسیک (رامایانا، مریچاکاتیکا، شاکوتالا)، متون بودایی (لالیتاویستارا)، متون زرتشتی و سنت‌های شفاهی و مکتوب آیین سیک؛ و دوم، منابع پژوهشی

و باستان‌شناختی شامل مطالعات آسیری‌شناسی درباره قوانین آشور میانه (فالس، ۲۰۲۱)، پژوهش‌های جامعه‌شناختی درباره زرتشتیان ایران (زروندی، ۱۳۸۶) و مطالعات تطبیقی حجاب در ادیان. قلمرو زمانی پژوهش از سده چهاردهم پیش از میلاد (لوح‌های آشور میانه) تا دوره معاصر و قلمرو مکانی آن از بین‌النهرین و فلات ایران تا شبه‌قاره هند است. معیار مقایسه میان سنن، چهار مؤلفه است: خاستگاه تاریخی پوشش، منبع الزام (شرعی/عرفی/طبقاتی)، کارکرد اصلی (طهارت، منزلت، هویت، عفاف) و تحولات معاصر (زروندی، ۱۳۸۶). توجه به این مؤلفه‌ها مانع از آن می‌شود که مفاهیم برساخته معاصر به گذشته تاریخی تحمیل شود.

پوشش سر در خاور نزدیک باستان: منشأ طبقاتی حجاب

کهن‌ترین سند مکتوب و صریح درباره الزام پوشش سر و صورت، «قوانین آشور میانه» است؛ مجموعه‌ای از چهارده لوح حقوقی از پایتخت مذهبی و سیاسی آشور، متعلق به سده‌های پانزدهم تا چهاردهم پیش از میلاد. بر اساس این لوح‌ها، پوشش برای حضور عمومی زنان شوهردار — حتی بیوه‌ها — و نیز طبقه گسترده‌تر زنان «آشوری» یعنی زنان آزاد و بومی الزامی بود (فالس، ۲۰۲۱).

در مقابل، زنان روسپی و کنیزان حق پوشیدن روبنده نداشتند و برای نقض این حکم مجازات‌های شدیدی پیش‌بینی شده بود؛ در ماده ۴۰ لوح A آمده است که روسپی باید سر خود را برهنه نگه دارد و هر مردی که روسپی روبنده‌پوش را ببیند، موظف است او را دستگیر و نزد دادوران آورد. همین بی‌طرفی قانون نسبت به نوع پوشش نشان می‌دهد که روبنده در خاستگاه نخستین خود، نشانگر تملک، شأن طبقاتی و مرزبندی میان حوزه عمومی و خصوصی بوده است، نه نشانه تقوای دینی (فالس، ۲۰۲۱).

نکته پژوهشی مهم آن است که این احکام سخت‌گیرانه در اسناد حقوقی هم‌دوره — که وضعیت زنان را بسیار آزادتر نشان می‌دهند — بازتابی ندارند. فالس (۲۰۲۱) فرض می‌کند که «قوانین» بازتاب مقررات هنجاری‌ای بوده‌اند که بر «اقلیم» اخلاقی و فکری سخت‌گیرانه‌تر شهر آشور، تحت سلطه معبد و کاخ شاهی، حاکم بوده است. این یافته از منظر جامعه‌شناختی حائز اهمیت است: پوشش الزامی از آغاز نه پدیده‌ای فراگیر، بلکه هنجاری نخبه‌ساخته و وابسته به نهادهای قدرت بوده است.

این پیشینه بین‌النهرینی چارچوبی تحلیلی برای مطالعه سنن شرقی فراهم می‌کند: هرچا پوشش سر الزامی شده، بایستی پرسید منبع الزام کیست (قدرت سیاسی، معبد، سنت خانوادگی یا تکلیف شرعی) و چه منفعتی از آن تأمین می‌شود (فالس، ۲۰۲۱). در ادامه، این چارچوب بر چهار سنت آیینی شرق اعمال می‌شود.

حجاب: از آواگونتهانا تا گوگهات

در آیین هندو، پوشش سر با نام‌های گوناگونی چون «گوگهات» (Ghoonghat) یا «گوگتا» (Ghungta) شناخته می‌شود که از واژه سانسکریت «آواگونتهانا» (Avagunthana) «به معنای پرده، روبنده و پوشش، و واژه پراکریت «اوگونته‌تی» به معنای «پوشاندن و سرپوشیدن» ریشه گرفته‌اند (ویکی‌پدیا، Ghoonghat؛ Madras Courier، ۲۰۲۲).



ICPSE
2026

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

۵.۱. شواهد در متون سانسکریت کلاسیک

در متون ودایی آغازین (ریگ ونتا)، شاهد روشنی بر الزام قطعی یا فراگیر پوشش سر در زنان وجود ندارد؛ اما در ادبیات حماسی و درام های سانسکریت کلاسیک، واژه آواگننتهانا به کرات به چشم می خورد. در رامایانای والمیکی، هنگام ترک آیودیا توسط سیتا، متن به حسرت عمومی اشاره می کند که چگونه چهره بانویی که حتی در دید ارواح آسمان نبوده، اکنون در معرض دید همگان قرار گرفته است (زروندی، ۱۳۸۶). در نمایشنامه های کهن نیز پوشش سر نشانه ای هویتی برای زنان شوهردار بوده است. شودراکا، شاعر دوره پساگوپتا و نویسنده مریچاکاتیکا، از پوشش آواگننتهانا در میان برخی زنان یاد می کند، اما صراحتاً می نویسد که این پوشش هر روز و در هر حال استفاده نمی شده، بلکه بیشتر برای مناسبت هایی چون ازدواج یا خروج از خانه به کار می رفته است. در همین نمایشنامه، مادر واسانتاسنا (زن رقاصی دربار) از دخترش می خواهد تا با زیورآلات و روبنده آواگننتهانا سوار ارابه شود؛ امری که نشان می دهد زنی که پشتیبان (سوگند خورده به یک مرد) دارد، در ملأ عام مشمول همان حرمت زنان شوهردار می شده است. در نمایشنامه پرتیماناکا اثر بهاسا (سده های سوم تا چهارم میلادی) آمده که «بانوان را در مجالس دینی، جشن های عروسی، هنگام بلا و در جنگل می توان بدون روبنده دید، بدون آنکه ننگی متوجه آنان باشد». این جمله صریح نشان می دهد که پوشش سر در هند باستان، محیط محور و موقعیت محور بوده است، نه حکمی مطلق.

۵.۲. گوگهات در جامعه معاصر

رسم گوگهات به ویژه در جوامع سنتی شمال و غرب هند (گجرات، راجستان، هاریانا، بیهار و اوتارپرادش) تداوم یافته و کارکردی مبتنی بر ساختار پدرسالارانه دارد: نوعی ادای احترام و حفظ فاصله نمادین در برابر مردان ارشد خانواده شوهر (مانند پدرشوهر و برادرشوهر بزرگتر). در آیین ازدواج، عروس روبنده ای از پدران خود و روبنده ای دیگر از مادرشوهر دریافت می کند؛ نماد گذار از حمایت یک خانواده به خانواده ای دیگر. در آیین «مو دیخی» (نخستین نگاه)، خانواده های شوهر روبنده عروس را برمی دارند و به او هدیه می دهند. بر پایه پیمایش توسعه انسانی هند (IHDS) در سال ۲۰۰۴، حدود ۱۵ درصد زنان هند شکل هایی از گوگهات را رعایت می کنند که اکثریت آنان در ایالات هندی زبان ساکن اند. از اوایل سده بیستم، نخست زنان طبقات اشرافی و سپس دیگر طبقات از پوشش چهره چشم پوشی کردند و امروزه پوشش کامل صورت عمده تاً به بخش های هندی زبان شمال محدود شده است (ویکی پدیا، Ghoonghat).

۵.۳. نقد خلط مفهومی: مایا و حجاب فیزیکی

برخی پژوهشگران معتقدند که رواج حجاب در میان زنان هندو تا حدودی تحت تأثیر فتوحات مسلمانان و احکام درباری مغول در شبه قاره بوده است (Madras Courier, ۲۰۲۲). با این حال، شواهد متون سانسکریت نشان می دهد که ریشه های آواگننتهانا بسیار کهن تر است. در متون هندو، آموزه ای به نام «مایا» وجود دارد که به پوشیدگی و پنهان سازی واقعیت اشاره دارد و اشتراک های فراوانی با نظریه حجاب در عرفان اسلامی دارد؛ اما باید توجه داشت که مایا آموزه ای هستی شناختی درباره وهم و پرده ای است که



ICPSE
2026

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

حقیقت را می‌پوشاند، نه حکمی درباره البسه زنان. اشتراک این دو تنها در سطح نشانه‌شناختی است و نباید آن دو را پدیده‌ای واحد انگاشت.

آیین سیک: طرد پرده و تشریع دستار به مثابه هویت

آیین سیک — با خاستگاه اصلاح طلبانه در سده‌های پانزدهم و شانزدهم میلادی در پنجاب — مواجهه‌ای دوگانه با مسئله پوشش دارد: از یک سو طرد صریح پرده و انزوای زنان، و از سوی دیگر تشریع پوشش سر به مثابه نشانه هویت دینی.

۶.۱. طرد رسم پرده (Purdah)

گورو امرداس، سومین گورو سیک، به صراحت حجاب انزوایی و پرده را نهی کرد و از ملاقات با ملکه‌ای چهره پوشیده خودداری نمود (SikhiWiki). این موضع — که از زمان گورو نانک در میان سیک‌ها تداوم یافت — موجب شد پوشش افراطی و انزوای زنان در میان بسیاری از طبقات پنجاب در آن دوره کاهش یابد. در نگرش سیک، پرده نماد تبعیض جنسیتی و محروم‌سازی زنان از عرصه عمومی و مشارکت دینی (سنگت) تلقی می‌شد.

۶.۲. دستار و پنج نشان خالصا

از سوی دیگر، در سنت خالصا (تأسیس شده به دست گورو گوپیند سینگ در ۱۶۹۹)، حفظ موی اصلاح نشده (کش) به عنوان تسلیم در برابر نظم طبیعی آفرینش واجب شد و دستار (دستار) که تا پیش از آن مختص اشراف و نخبگان بود، برای همه پیروان — فارغ از کاست و جنسیت — نماد برابری و حاکمیت فردی شد (ویکی‌پدیا، Dastar). سیک‌ها دستار را بخش مهمی از هویت دینی خود می‌شمارند و مردان و زنان خالصا برای پوشاندن موی بلند خود از آن استفاده می‌کنند.

امروزه در کنار شال سنتی زنان (چونی)، گروهی از زنان سیک ارتدوکس — به ویژه در جریان‌های آخند کیرتنی — دستار کامل بر سر می‌گذارند و بدین‌سان «پوشش سر» را از معنای عفاف جنسی به معنای هویت و برابری دینی منتقل می‌کنند.

۶.۳. ریاضت و طرد زینت

بلند نگه داشتن مو در میان سیک‌ها، هندوها و برخی دراویش، به عنوان مظهری از مخالفت با جمال کاذب و مبارزه با شهوت، و از ثمرات فلسفه طرد لذت و میل به ریاضت تفسیر شده است (زروندی، ۱۳۸۶). بدین‌سان، در آیین سیک مسئله پوشش سر دو سر دارد: یک سر آن طرد حجاب به مثابه ابزار انزوا، و سر دیگر آن، پذیرش پوشش سر به مثابه نشانه تعلق آیینی و ریاضت طلبی.

حجاب در آیین بودا: از زهد رهبانی تا نقاب درباری

در آیین بودا، مسئله پوشش سر با رویکردی معتدل‌تر دنبال شده است. در سنت رهبانی بودایی، رویکرد به مو و سر اساساً حول محور «طرد زینت‌های نفسانی» شکل گرفته است، نه ایجاد پرده جنسی.

۷.۱. تراشیدن سر به مثابه انقطاع



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

راهبان مرد (بیکشو) و راهبان زن (بیکشونی) ملزم به تراشیدن کامل موی سر هستند. مو در فرهنگ هندی نماد زیبایی، تمایلات دنیوی و کاست اجتماعی بود؛ زدودن آن نشانه ورود به مرحله برابری و انقطاع از جاذبه های ماتریالیستی است. در متون مقدس بودایی، پوشش سر به طور گسترده مورد بحث قرار نگرفته است؛ مفهوم حجاب در آیین بودا بیشتر به معنای دوری از تمایلات دنیوی و تمرکز بر سیر و سلوک روحانی تعبیر می شود (زروندی، ۱۳۸۶).

۷.۲. داستان یشودرا در لالیتاویستارا

لالیتاویستارا، از زندگینامه های حماسی بودا، داستانی روشنگر درباره حجاب زنان نقل می کند که نشان از قدمت و بحث برانگیز بودن این مسئله در فرهنگ بودایی دارد. در این متن، عروس جوان یشودرا (همسر آینده بودا) از رعایت رسم روبنده در برابر بزرگان خودداری کرد و این خودداری نشانه بی حیایی تلقی شد و مردم درباره او سخن چینی کردند. اما یشودرا در برابر دفاعی بلند ارائه داد: «آنان که اندیشه شان پوشیده نیست، نه شرم و حیا دارند و نه فضیلتی، همان ها که سخن چینی می کنند، هرچند با هزار جامه خود را بپوشانند، برهنه بر زمین می روند. اما آنان که ذهنشان را می پوشانند، حواس خویش را مهار می کنند و جز شوهر خویش کسی را در دل ندارند، چرا باید چهره بپوشانند؟» پس از این دفاع، پدرشوهر و مادرشوهرش از پاسخ او دلسرد نشدند، بلکه به عنوان پاداش دو جامه سفید جواهرنشان به او دادند (ویکی پدیا، Ghoonghat).

این متن — که به سده سوم میلادی برمی گردد و در ادبیات کهن تر تراودا اثری از آن نیست — بازتاب تلاش بوداییان برای مقابله با رواج گسترده رسم روبنده در هند است. در زمان بودا، برخی زنان از پوشش سر استفاده می کردند، اما این پوشش بیشتر جنبه عرفی داشت تا پوشاننده صورت؛ و در اوایل هزاره اول میلادی، پوشش صورت برای زنان طبقات بالا و خانواده های سلطنتی مناسب تلقی می شد.

۷.۳. تحولات رهبانی و معاصر

با پیوستن زنان به سنگها (جامعه رهبانی)، پوشش های طبقاتی کنار گذاشته شد و ردهای ساده زعفرانی/قهوه ای فاقد تزیینات جایگزین آن ها گردید. امروزه تنها تعداد کمی از راهبان زن بودایی برای نماد فروتنی آیینی از پوشش سر استفاده می کنند و ظاهر سنتی آنان شامل سر و ابروهای تراشیده است. استفاده از کلاه یا پوشش های سر خاص تنها در برخی شاخه های تبتی در شرایط اقلیمی کوهستانی و تشریفات معبد دیده می شود و فاقد بار معنایی «پوشاندن زن از نگاه نامحرم» است.

آیین زرتشتی و ایران باستان: شأن اجتماعی و طهارت آیینی

در آیین زرتشتی، پوشش زنان امری لازم و واجب شمرده می شده و آموزه های دینی زرتشت بر حجاب تأکید داشته اند. بررسی تاریخی نشان می دهد که پوشش سر در ایران باستان، به ویژه در میان زنان اشرافی، رواج داشته است (زروندی، ۱۳۸۶).

۸.۱. شواهد تاریخی از ماد تا ساسانی



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

شواهد تاریخی و باستانی نشان می‌دهد که پوشش سر در ایران از دوره‌های بسیار کهن رواج داشته است. بر اساس نقوش برجسته برجامانده از دوران مادها، مرد و زن به واسطه اختلاف پوشش سر از هم تمایز داده می‌شوند و به نظر می‌رسد زنان نیز پوششی بر سر می‌گذاشته‌اند (ویکی‌پدیا، پوشش زنان در ایران باستان). در دوره هخامنشی نیز زنان اشرافی چادر مستطیل‌شکلی بر روی لباس افکنده و در زیر آن پیراهن بلند و دامن بلند دیگر می‌پوشیده‌اند. پلوتارک مورخ یونانی می‌نویسد که زنان ایران هنگام خروج از خانه درون چادرهای درسته‌ای می‌نشستند و چادر را بر گردونه‌ای حمل می‌کردند؛ احمد کسروی از این روایت نتیجه می‌گیرد که چنین چادری ویژه توانگران بوده و مردم عادی از پوشش‌های کوچک‌تری مشابه آن استفاده می‌کرده‌اند.

در دوره اشکانی، لباس زنان شامل پیراهنی بلند، گشاد و پرچین بوده و بر روی آن چادری به رنگ‌های شاد، ارغوانی یا سفید سر می‌کرده‌اند که گوشه آن در زیر صفحه‌ای فلزی منقوش بسته می‌شده و به‌گونه‌ای روی سر می‌افتاده که عمامه (نوعی کلاه زنانه) را در قسمت عقب و پهلوها می‌پوشانده است.

در دوران ساسانیان — پس از نبوت زرتشت — افزون بر چادر، پوشش صورت نیز در میان زنان اشراف معمول شده بود. به گفته ویل دورانت، زنان طبقات بالای اجتماع جرأت نداشتند جز در تخت روان روپوش‌دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد آشکارا با مردان آمد و رفت کنند (پرسمان، ۱۳۹۰). روایتی مربوط به دوران خشایارشا نیز حاکی از آن است که ملکه «وشی» از فرمان پادشاه برای حضور بدون پوشش در بزم خودداری کرد و به‌دلیل این سرپیچی، به حکم دادوران عنوان «ملکه ایران» را از دست داد.

۸.۲. پنام: پوشش آیینی طهارت

کلاه موبدان زرتشتی و به‌ویژه پارچه‌ای که در برابر آتش مقدس بر صورت می‌بندند، از جمله پوشش‌های آیینی مهم است. زرتشتیان برای آنکه «آتش» را آلوده نکنند پارچه‌ای بر صورت می‌بندند که به آن «پنام» می‌گویند (ویکی‌پدیا، پوشش زنان در ایران باستان). این پوشش کارکردی صرفاً طهارت‌محور دارد و شباهت ساختاری چشمگیری با کیپا در یهودیت و عرقچین در اسلام دارد؛ موضوعی که نشان‌دهنده تأثیرپذیری متقابل یا تبادل فرهنگی میان تمدن‌های همسایه است.

۸.۳. پوشش زنان زرتشتی در گذر زمان

پوشش سنتی زنان زرتشتی — به‌ویژه در یزد و کرمان — شامل لچک، چارقد و مکنا با پارچه‌های رنگارنگ و سوزن‌دوزی شده بوده است. پژوهش‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که رعایت حجاب در میان زنان زرتشتی ایران عصر صفوی تحت تأثیر سه عامل اساسی شکل می‌گرفته و اطلاق واژه «محبوب و محترم» برای زنان در آیین زرتشتی مشروط به رعایت پوشش‌های خواسته‌شده در این آیین بوده است (جعفری، ۱۳۸۹). در دوران فشارهای سیاسی-اجتماعی (به‌ویژه عصر صفویه و قاجار)، این ساختار پوششی افزون بر صیانت مذهبی، ابزاری هویتی برای حفظ انسجام خرده‌فرهنگ زرتشتی نیز بوده است.

بحث: ماتریس کارکردی پوشش سر در شرق



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

تحلیل تطبیقی داده های چهار سنت آیینی و شواهد خاور نزدیک باستان نشان می دهد که پدیده پوشش سر در شرق از الگوهای تک عاملی پیروی نکرده و دست کم چهار پارادایم کارکردی اصلی را دربر می گیرد:

۱. **پارادایم طبقاتی-سیاسی** (آشور باستان، هخامنشی، هند سانسکریتی): پوشش به مثابه امتیاز انحصاری طبقه حاکم و اشراف؛ چنان که در قوانین آشور میانه، روبنده حق زنان آزاد بود و کنیزان و روسپیان از آن محروم بودند (فالس، ۲۰۲۱). در ایران باستان نیز پوشش کامل تر به طبقات بالاتر اختصاص داشت و کسروی درباره چادر گردونه ای همین تفکیک طبقاتی را استخراج می کند.

۲. **پارادایم آیینی-طهارت** (زرتشتی گری): پوشش به مثابه مهار نفوذ پلیدی مادی و معنوی به مناسک و حفظ طهارت عناصر مقدس؛ نمونه نمادین آن «پنام» موبدان است که برای پرهیز از آلودن آتش به کار می رود و در آن هیچ دلالت جنسیتی وجود ندارد.

۳. **پارادایم زهدگرایانه-انقطاع** (بودیسم): پوشش یا تراشیدن سر به مثابه امحای فردیت و زیبایی کاذب و تمرکز بر رهایی؛ رویکردی که اساساً با منطق «پوشاندن زن از نگاه نامحرم» بیگانه است و در آن از پوشش طبقاتی درباری نیز دست کشیده می شود.

۴. **پارادایم هویت ساز-مقاومت** (آیین سیک): دستار به مثابه نشانه علنی تعلق به یک امت مستقل و نماد برابری طبقاتی؛ سنتی که پوشش سر را نه برای انزوای زنان، بلکه برای نمایش برابری و حاکمیت فردی تشریع می کند.

وجوه اشتراک

با وجود تنوع مصادیق و شدت و ضعف، سه وجه اشتراکی میان این سنت ها قابل شناسایی است: (۱) تأکید بر عفت و فروتنی آیینی؛ (۲) نشان دادن احترام به امر قدسی؛ و (۳) ایجاد تمایز میان حوزه عمومی و خصوصی. حتی در آیین سیک که حجاب را نهی می کند، پوشش سر به مثابه نشانه احترام در حضور گورو (سنگت) باقی مانده است.

عوامل تحول

سه عامل در تغییر کارکرد پوشش سر مؤثر بوده اند: نخست، تحول ساختار طبقاتی (فروپاشی جوامع درباری و رونق طبقات متوسط)؛ دوم، برهم کنش فرهنگی میان تمدن ها (مانند انتقال الگوهای پوشش درباری هند پس از فتوحات مغول)؛ و سوم، نهادینگی مذهبی (تبدیل سنت عرفی به تکلیف شرعی یا نشان هویتی). این عوامل نشان می دهند که پوشش سر پدیده ای «بسته» نیست، بلکه در تعامل با ساختارهای اجتماعی معنا می گیرد.

مرز مفهومی میان حجاب شرعی و پوشش سنتی

آنّا که حجاب اسلامی از سایر سنن شرقی متمایز می کند، نظام مند شدن آن در قالب تکلیفی شرعی با حدود و ثغور مشخص است؛ در حالی که در بسیاری از سنن دیگر، پوشش سر بیشتر جنبه ای عرفی، اجتماعی یا

نمادین داشته است. این تمایز نه به معنای برتری یکی بر دیگری، بلکه به معنای تفاوت در منبع الزام (الهی در برابر سنت اجتماعی) و تفاوت در قابل تغییر بودن (تحول‌پذیری سنت‌های عرفی در برابر ثابت ماندن احکام شرعی) است.

نتیجه گیری

بررسی تطبیقی حجاب و پوشش سر در ادیان و فرهنگ‌های شرقی حجاب و پوشش سر در ادیان و فرهنگ‌های شرانی دارد و محدود به یک دین یا فرهنگ خاص نیست. از آواگونت‌های هندوئیسم و چونی در آیین سیک، گرفته تا تراشیدن سر راهبان بودایی و پنام موبدان زرتشتی، همگی گواه آن هستند که پوشش سر همواره یکی از مهم‌ترین نشوای آن هستند که پوشش سر همواره یکی از مهم‌ترین نشوای شرقی بوده است.

یافته‌های پژوهش نشان داد که پوشش سر در خاستگاه نخستین خود، ابزاری طبقاتی برای تثبیت منزلت بوده و سپس به فرآیند عرفی‌سازی و نهادینگی مذهبی، به نماد زهد، طهارت آیینی، هویت دینی یا نشانه عرف تغییر کارکرد داده است. تحلیل چهار پارادایم کارکردی (طبقاتی، طهارت، زهد، هویت) نشان داد که تفسیر یک‌بعدی از پوشش سر — چه به‌عنوان «حکمی جنسیتی» و چه «نشان آزادی» — هیچ‌کدام با ذات کامل تاریخی این پدیده نیست. با ذات کامل تاریخی این پدیده نیست.

از منظر آن می‌تواند به گفت‌وگوی بهتری پیرامون مسئله حجاب در جهان معاصر منجر شود؛ گفت‌وگویی که به‌جای تقلیل مسئله به تقابل «سنت و مدرنیته» یا «دین و سکولاریسم»، تنوع کارکردی و تاریخی پوشش سر را به رسمیت می‌شناسد. پژوهش‌های آینده می‌توانند با مطالعات میدانی تطبیقی در جوامع سیک، بودایی و زرتشتی معاصر، بر یافته‌های نظری این مقاله بیفزایند.

منابع فارسی

- زروندی، نفیسه. (۱۳۸۶). «بررسی تطبیقی حجاب در اقوام و ادیان الهی». *فصلنامه فرهنگی-دفاعی زنان و خانواده*، سال سوم، شماره‌های ۱۰ و ۱۱.
- جعفری، علی‌اکبر. (۱۳۸۹). «بررسی حجاب و نوع پوشش زنان زرتشتی در ایران عصر صفوی». *پژوهش‌های جامعه‌شناختی*.
- «کیفیت حجاب و پوشش در آیین زرتشت». (۱۳۹۰). پایگاه پرسمان. [متن مقاله](#)
- «پوشش زنان در ایران باستان». ویکی‌پدیای فارسی. [متن مقاله](#)
- «حجاب از دیدگاه ادیان». اولین کنفرانس بین‌المللی حجاب و عفاف در ادیان و فرهنگ‌ها، ۱۳۹۳.
- «بررسی تطبیقی مسئله حجاب از منظر ادیان و ملیت‌های مختلف». کنفرانس بین‌المللی دین و فرهنگ، ۱۳۹۷.

منابع لاتین



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

18 Septembe 2026 - TBILISI GEORGIA

- Fales, Frederick Mario. (2021). "Veiling in Ancient Near Eastern Legal Contexts." In *Headscarf and Veiling: Glimpses from Sumer to Islam*. DOI: [10.30687/978-88-6969-521-6/006](https://doi.org/10.30687/978-88-6969-521-6/006)
- "Ghoonghat." Wikipedia. [متن مقاله](#)
- "Avagunthana, Ghoonghat, Hijab: One Practice, Many Names." (2022). *Madras Courier*. [متن مقاله](#)
- "Purdah." SikhiWiki. [متن مقاله](#)
- "Dastar." Wikipedia. [متن مقاله](#)
- "Veiling in Other Religious Traditions." North Carolina Council on Middle East Studies.
- Altekari, A. S. (1959). *The Position of Women in Hindu Civilization*. Delhi: Motilal Banarsidass.
- Driver, G. R., & Miles, J. C. (1935). *The Assyrian Laws*. Oxford: Clarendon Press.
- McLeod, W. H. (1989). *Who is a Sikh? The Problem of Sikh Identity*. Oxford: Clarendon Press.
- Singh, Nikky-Guninder Kaur. (1993). *The Feminine Principle in the Sikh Vision of the Transcendent*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Williams, Paul. (2000). *Buddhist Thought: A Complete Introduction to the Indian Tradition*. London: Routledge.